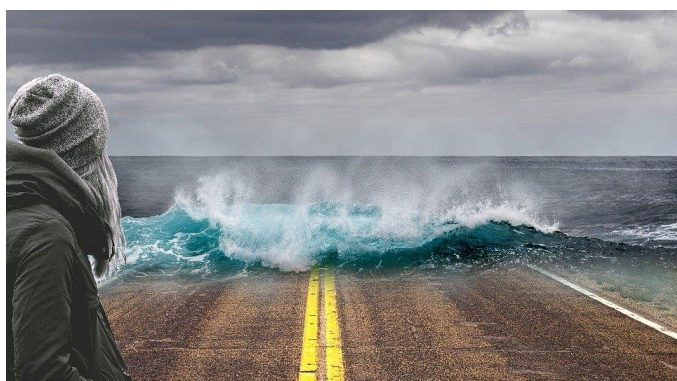


آخرالزمان یا امید اساس

لوقا ۲۱، ۲۵ - ۳۳



«در خورشید و ماه و ستارگان علامتها ظاهر خواهد شد. در روی زمین ملتها از غرّش دریا و خروش امواج آن پریشان و نگران خواهند شد 26. آدمیان از وحشت تصوّر آنچه بر سر دنیا خواهد آمد، از هوش خواهند رفت و قدرت‌های آسمانی به لرزه خواهند افتاد 27. آن وقت پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابری می‌آید 28. وقتی این چیزها شروع شود شما راست بایستید و سرهایتان را

راست نگاه دارید چون رستگاری شما نزدیک است.» 29 عیسی برای آنان این مثل را آورده، گفت: «به درخت انجیر و یا درختهای دیگر نگاه کنید 30: به محض اینکه می‌بینید جوانه می‌زند می‌دانید که تابستان نزدیک است 31. به همان طریق وقتی که وقوع همه این چیزها را ببینید مطمئن باشید که پادشاهی خدا نزدیک است، 32 یقین بدانید که پیش از درگذشت نسل حاضر همه اینها رخ خواهد داد. 33 آسمان و زمین از بین خواهد رفت اما سخنان من هرگز از بین نخواهد رفت.

" پنج دقیقه به دوازده است!" "جهان در حال غرق شدن است!" با این صورت صداهای اطراف ما بلندتر و بلندتر می‌شوند. وقتی انسانها نمی‌خواهند زندگی خود را تغییر بدهند گروهی وجود دارد که می‌خواهد با ایجاد وحشت از بدترین وضعیت در جهان جلوگیری کند. بقیه می‌گویند شما نمی‌توانید با وحشت کار کنید زیرا وقتی می‌ترسید فلج و بی‌چاره می‌شوید. آنچه همه ی ما با هم توافق داریم این است که جهان در یک بحران بی‌سابقه است. و حتی در کلیسا به خاطر، احساس وحشت از آخر دنیا منشاء می‌آید. با پیشرفت سکولاریزم بیشتر انسان‌ها کلیسا را ترک می‌کنند این حالت احساس ناامیدی در کلیسا به وجود می‌آورد. دانش در مورد محتوای کتاب مقدس فروکش می‌کند. و افراد دیگر نمی‌توانند اهمیت و رابطه ی کتاب مقدس را برای خودشان و برای زندگیشان تشخیص دهند. دیگران در مورد مبانی ایمان ما شک و تردید دارند. آنها می‌پرسند: «آیا مسیح واقعاً برمی‌گردد؟» آیا هنوز هم می‌توانید همه آنچه که در کتاب مقدس نوشته شده است باور بکنید؟ دانشمندان الهیات برای تردید کنندگان دیگر، صداهای خود را بلند می‌کنند و می‌گویند: "مسیح برنگشته است. او امروز نمی‌آید و دیگر هرگز نخواهد آمد!" برای کسانی که هیچ‌امیدی به بازگشت پروردگار ما عیسی ندارند، هم زندگی ابدی وجود ندارد. از نظر آنها هم بهشت جدید و هم زمین جدید وجود ندارند و هم ایمان دیگر نیست. تمام آنچه که در آن زمان باقی خواهد ماند این است که به پایان جهان نزدیک می‌شویم. انتخاب شماست: انتظار تا آخر دنیا با وحشت یا با خردمندی؟ نتیجه گیری هر دو یکسان است. در مقطعی تمام شد! با ما تمام می‌شود و با جهانمان تمام خواهد شد!

عیسی همچنین خبر احساس وحشت در مورد روز آخر دنیا را پخش کرد. او هم با کلماتی که تازه خوانده ایم، چنین می‌کند: او با تصاویری در مورد آخر دنیا چیزی را توضیح داده است که ما امروز می‌توانیم روشنتر ببینیم. نیروهای آسمانها و زمین متلاشی خواهند شد. و مردم با ترس از بین می‌روند. اما برخلاف آخرالزمانی مدرن، عیسی روز آخر را به امید پیوند می‌دهد. چگونه عیسی این کار را انجام می‌دهد؟ آیا اصلاً می‌تواند این کار را انجام دهد؟ چگونه می‌توانید پایان جهان را با امید جمع کنید؟ فکر می‌کنم مسئله امید مسئله ی اصلی ای است که ما مسیحیان مدیون به جهانیان مان هستیم. اما، چگونه این کار را انجام دهیم؟ مهم است که ما از ابتدا بفهمیم که امید نمی‌تواند از ما انسانها بیرون برود. ما انسانها مانند جهان، تاریخ انقضا داریم. ما باید تمام بشویم و به همین دلیل است که ابدیت مناسب ما نیست. بنابراین، ما مسیحیان مانند همه ی افرادی دیگر به واسطه ی از همان

نشانه‌ی بیماری در جهان ناپاک هستیم. حتی برای ما، پاسخ قطعی در مورد وحشت جهان وجود ندارد. و ما نمی‌دانیم با بسیاری از بحران‌های سیاره‌مان چه می‌توانیم بکنیم. اگر ما ادعا داشته باشیم که برای همه چیز یک پاسخ داریم، گستاخانه خواهیم بود. اما منشا امید ما، در واقع فقط در عیسی مسیح باقی مانده است. او به تنهایی می‌تواند ناامیدی را از قلب ما خارج کند. این را خود خداوند عیسی به ما اطمینان می‌دهد: «راست بایستید و سرهایتان را راست نگاه دارید چون رستگاری شما نزدیک است!» آنچه که عیسی از آن برای ما توضیح می‌دهد، با تجربیات ما مطابقت ندارد: مسیحی، که از بهشت پایین می‌آید و همه چیز را با قدرت و جلال عالی تنظیم می‌کند. تصویر این اتفاق که عیسی دوباره می‌آید را، کسی نمی‌تواند تجربه یا اثبات بکند. ما همچنین نمی‌توانیم آن را توجیه بکنیم، چرا آمدن او به تأخیر می‌افتد. حتی ما نباید فعالیت‌های زیادی انجام دهیم تا بدین ترتیب مدرک شود که دلیل مهم دیگری به قیر از زندگی ابدی داشته باشیم. ... طبق شعار. "از آنجا که ایمان به بازگشت مسیح دیگر نیست، ما باید کارهای دیگری را انجام دهیم." نه، عیسی که یک روزی آسمانها را پاره خواهد کرد، از ما پنهان شده است. باید از ما پنهان بماند. او همیشه این کار را کرده است. او به جای اینکه با قدرت و با فرشتگان به اورشلیم حرکت کند، به روی صلیب رفت و درگذشت! قدرت عیسی از آن زمان تاکنون از کلیسا پنهان ماند. قدرت او حتی تا امروز پنهان مانده است. بنابراین ما چاره‌ای دیگر جز کلمه و وعده‌ی عیسی، نداریم. این سخنان که عیسی به ما می‌گوید کلمات مرده نیستند، بلکه آنها زنده هستند. و از آنجا که آنها زنده هستند، آنها نیز پس به خدای زنده متصل هستند. نماز و مراسم ما فقط فریادی ناتوانی در تاریکی در کنار بسیاری از گریه‌های دیگر نیست. نه! اینجا و اکنون ما به خدا وصل هستیم. به قول خودش اشخاصی که امروز غسل تعمید گرفتند، مستقیماً با این خدای زنده در ارتباط هستند. شما نه تنها گواهی غسل تعمید دریافت کردید، بلکه یک زندگی جدیدی را دریافت کردید و زندگی جدیدی را تجربه کرده‌اید. بهشت نه تنها در افکار شما نیست، بلکه در باطن شماست. و خدایی که در باطن ماست تنها دارای ماست چگونه ما می‌توانیم امید را اثبات بکنیم. فقط خود خدا که در ما ساکن است، چشمان ما را به بهشت موعود باز می‌کند، که در غیر این صورت اصلاً نمی‌دانستیم. در متن خطبه‌ی امروز، عیسی دقیقاً ما را به طوری توصیف می‌کند که ما الان بین بهشت و زمین زندگی می‌کنیم. بنابراین ما دقیقاً در بین پایان جهان و امید ابدی هستیم. اگر نگاهی به جهان بیندازیم، همه چیز را دقیقاً مانند پیامبران در مورد جهان آخر مدرن و قدیمی می‌بینیم که چیزهایی را دیدند و امروزه هم آنها را می‌بینند. و به نتیجه‌گیری می‌رسید: که جهان خراب است و ناپدید خواهد شود. ما نمی‌توانیم این بحران جهان را ندیده بگیریم. ما می‌توانیم و باید از چالش و رنج جهان حمایت کنیم. اما در عین حال، ما هرگز نباید در مقابل مشکلات جهان سکوت کنیم. نگاه ما متمرکز به دنیای ویران شده است و تمرکز خود را بر روی نجات دهنده معطوف می‌کنیم. دقیقاً به همین دلیل است که ما در بین خودمان اینقدر رنج و بحران‌های زیادی را شاهد هستیم، ندای ما و دعای ما همیشه خواهد بود و خواهد ماند: "بیا!، پروردگار ما عیسی! بزودی بیا!" عیسی که از طریق روح القدس در ما زندگی می‌کند، چنین می‌خواند! و به همین دلیل است که ما هرگز از این امید زنده برای عیسی مسیح عذرخواهی نخواهیم کرد. دقیقاً این امید است که ما را نسبت به سایر پیامبران جهان متفاوت می‌کند. اما ما هنوز در بهشت نیستیم، اما دقیقاً در بین آمدن عیسی و زندگی جهان هستیم. بنابراین، ما هرگز نباید جهان را از دست بدهیم. یا همانطور که بسیاری در گذشته انجام داده‌اند، در خلوت و آرام، منتظر رسیدن عیسی هستند. نه، این دانش در مورد آمدن عیسی است که ما را به اینجا سوق می‌دهد. با امید رستاخیز به دنباله کارهای روزانه‌ی خود برویم. ما سعی می‌کنیم آنچه را که ممکن است، تغییر دهیم. مهمتر از همه، ما سعی می‌کنیم انجیل را بر همگان گسترش دهیم. منظورم این است که پیامبران رستاخیز مدرن چیزهای زیادی را درک کرده‌اند. اما یک چیز را متوجه نشده‌اند. و این استراحت سبت و همین ایمان است که فقط می‌تواند در مسیح حاصل شود. ما می‌توانیم برای تغییر جهان کاری انجام دهیم. ما حتی مجبور هستیم این کار را بکنیم. اما خودمان را در این جهان از دست نمی‌دهیم. و نیز آنچه را که در اعتقاد محکم به عیسی داریم.

Bonhoeffer به موقع, انتظار ما را از عیسی مسیح توصیف می کند: "ممکن است که آخرین روز فردا باشد - پس ما می خواهیم کاری را برای آینده ای انجام دهیم. تنها زمانی که عیسی می آید دست از تلاش خواهیم کشید. ... " آمین